

دو فصلنامه تخصصی «پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه»

شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۹: ۲۵-۵۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۷/۱۹

رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با هویت جوانان^۱

اسماعیل شریفی*

اکرم کاکاوندی**

چکیده

خانواده حلقه اتصال و انسجام فرهنگ و نظم اجتماعی و در واقع نهادی است که مسئولیت سامان بخشیدن به سلامت اخلاقی جامعه را بر عهده دارد. غایت عملکرد خانواده پرورش افرادی است که به لحاظ اجتماعی شایسته، به لحاظ روانی متعادل و از نظر رفتاری سازگار باشند.

در این مقاله، رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با هویت اجتماعی جوانان مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه ابعاد روابط گفتمانی و هنجاری درون خانواده و هویت اجتماعی به عنوان متغیرهای اصلی تحقیق و مطالعه سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی جوانان و نیز چگونگی پیوند آن دو می باشد. سرمایه اجتماعی، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی، هنجارها و روابط را در برمی گیرد. مفهوم هویت نیز به دو بعد ذهنی و عینی تقسیم می شود. بعد ذهنی آن در واقع گرایش و اعتماد فرد به دیگران و بعد عینی مشارکت اجتماعی فرد را شامل می شود. جامعه آماری این تحقیق، دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی دبیرستان‌های عادی دولتی در سه منطقه ۳، ۶ و ۱۸ شهر تهران است که در سال ۱۳۸۶-۸۷ مشغول به تحصیل بوده‌اند. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۰۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب و بررسی شده‌اند. نتایج به دست آمده از این پژوهش، بیانگر وجود رابطه معنادار و مثبت بین دو متغیر سرمایه اجتماعی خانواده و هویت اجتماعی در سطح معناداری ۹۹ درصد است.

واژگان کلیدی: خانواده، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، روابط گفتمانی.

۱. مقاله حاضر، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تبیین سرمایه اجتماعی خانواده» به راهنمایی دکتر ساعی است که در سال ۱۳۸۷ دفاع شده است.
*نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

در طی سال‌های اخیر رواج صنایع الکترونیک و توسعه فضای اطلاعاتی و انتشاراتی جدید موجب تشدید تأثیرات مخرب فرهنگی و اجتماعی در نگرش و رفتار افراد به‌ویژه جوانان گردیده است. مجموعه تحولات فوق سبب گردیده موضوع هویت اجتماعی^۱ و فردی و تأثیرگذاری آن بر روی سایر کنش‌ها و نگرش‌های جوانان اهمیت یابد. چنانچه جوانان از نگرش و باور پویا و پایدار فرهنگی تهی شوند و نتوانند دنیای درونی و ذهنی خود را با ارزش‌ها و هنجارهای بادوام تجهیز کنند دچار انفعال، انزوا، بی‌انگیزی و بدبینی نسبت به جامعه می‌شوند و بحران هویت رخ می‌دهد. «بحران هویت و تعارض ارزش‌های اجتماعی سبب تسلط روندهای فرهنگی ناسالم و شکاف بین نسلی می‌شود که گاه نشان‌دهنده ناکارآمدی نظام تربیتی است؛ به گونه‌ای که جوانان از پدران خود در جهت تثبیت ارزش‌ها و اداره جامعه آموزش ندیده‌اند» (معیدفر، ۱۳۷۹: ۱۶۰-۱۵۹).

اولین عامل و مهم‌ترین ابزار جامعه‌پذیری افراد یک جامعه، «خانواده» است، زیرا اجتماعی شدن افراد از خانواده شروع می‌شود. نوزاد انسانی در خانواده رشد و نمو می‌کند؛ رفتارهای اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها را می‌آموزد و یاد می‌گیرد که چگونه با دیگران تعامل داشته باشد. بنابراین هویت انسانی^۲ در خانواده شکل می‌گیرد. حال اگر خانواده‌ای دچار اختلال و نابسامانی باشد و کارکرد و نقش اصلی خود یعنی تربیت و پرورش را از دست بدهد، فرایند جامعه‌پذیری^۳ به خوبی انجام نمی‌شود. در این وضعیت، فردی که وارد عرصه‌های مختلف اجتماعی شده است دچار بحران هویت^۴ می‌شود و نمی‌تواند خود را با ارزش‌های پذیرفته شده جامعه هم‌نوا و نقش خود را به خوبی ایفا کند. بنابراین خانواده یکی از عوامل مؤثر در ساختار هویت‌یابی جوانان و هدایت رفتاری آنان است. خانواده به عنوان یک اجتماع طبیعی منشأ اصلی ظهور هنجارهای اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۸: ۹۸). اگر ارزش‌های حوزه اجتماعی و فرهنگی نظیر عزت، احترام، تعهد، معرفت، دوستی، اعتماد و صداقت در خانواده آموخته شود و هنجارهای یاری،

1. Social Identity
2. Human Identity
3. Socialization
4. Identity Crisis

تعهد و احترام اجتماعی درونی گردد، هویت جمعی تحقق می‌یابد. اجتماع طبیعی جهت‌گیری هنجاری سایر اجتماعات را مشخص می‌سازد. خانواده اصول اخلاقی را به عرصه‌های دیگر انتقال می‌دهد و به آن اجتماعات جهت‌گیری اخلاقی می‌دهد. همچنین خانواده به عنوان یک اجتماع اخلاقی منشأ ارزش‌های اجتماعی است. به‌طور کلی اجتماع طبیعی و اخلاقی ضمانت اجرای درونی برای نظم اجتماعی می‌باشد. در واقع انسجام کل جامعه و تحقق اجتماع جامعه‌ای تابع نفوذ اجتماع طبیعی در انواع تعاملات اجتماعی است (همان: ۹۹). از آنجا که انسجام و اعتماد پایه نظم اجتماعی^۱ است، بنابراین عدم نفوذ اجتماع طبیعی موجب بی‌اعتمادی و فقدان انسجام است. از طرفی با افزایش پیوندهای ضعیف یا پل‌های ارتباطی در شبکه تعاملات اجتماعی موجبات تقویت انسجام عام فراهم می‌شود، هویت جامعه‌ای افزایش می‌یابد، میزان عام‌گرایی بالا می‌رود (همان: ۱۰۱-۱۰۰) و بحران هویت کاهش می‌یابد. اگر فرد میل به وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته را در نظام شخصیتی خود کسب کرده باشد، همه انسان‌ها را از خود می‌داند، در قبال همه احساس تعهد و تکلیف می‌کند و همه افراد در تعریف او از دوستی جای می‌گیرند (همان: ۱۰۲).

خانواده به عنوان یک گروه اجتماعی، بر هویت جمعی^۲ جوان خود اثر می‌گذارد. خانواده نه تنها اعضای خود را رشد می‌دهد بلکه رفتار مناسب (نظیر هنجارها) را نیز برای اعضایش تجویز می‌کند. اگر درونی‌شدن هنجارهای اخلاقی مثبت صورت گیرد، آنگاه هویت جمعی جوانان شعاع وسیع‌تری می‌یابد و فرد، بیشتر افراد را از خود می‌داند و عاطفه او تعمیم‌یافته‌تر می‌شود.

در این پژوهش درصدد هستیم که به بررسی ارتباط تولیدات هنجاری و ارزشی خانواده و همچنین روابط گفتگومانی اخلاقی - منطقی خانواده (سرمایه اجتماعی خانواده) با هویت جمعی جوانان بپردازیم. این پژوهش در نظر دارد وجود رابطه میان سرمایه اجتماعی خانواده با هویت اجتماعی جوانان را بررسی کند.

-
1. Social Order
 2. Plural Identity

تعاریف

«هویت» احساسی است که فرد نسبت به استمرار حیات روانی خود دارد؛ نوعی از یگانگی و وحدت که در مقابل اوضاع و احوال متغیر خارج، همواره در حالات روانی خود احساس می‌کند. هویت جمعی شناسه آن حوزه و قلمروی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق و مدیون به آن می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند (عبدللهی، ۱۳۷۵: ۸۳-۶۳).

مفهوم هویت، تلویحاً به معنای تصور ذهنی متأثر از نوعی عضویت و احساس تعلق گروهی نیز می‌باشد. برخی صاحب‌نظران هویت اجتماعی را یک سیستم فرعی شخصیت تعریف کرده‌اند که نقش عمده‌ای در تعیین مشارکت شخص در سیستم اجتماعی دارد (کوپروکوپر، ۱۹۸۵). به عقیده ملوچی مفهوم هویت برای یک نظریه عمل که شکل‌گیری و فعالیت‌های گروه‌های گوناگون را توضیح می‌دهد اهمیت بسزایی دارد. وی همچنین معتقد است که همه هویت‌ها در درون یک سیستم روابط اجتماعی شکل می‌گیرند و به شناسایی متقابل دیگران نیاز دارند. بنابراین مفهوم هویت به مفهوم عمل^۱ بستگی دارد (شلسینگر^۲، ۱۹۹۱: ۱۲۹). هویت را می‌توان بعد ذهنی مشارکت و فعالیت اجتماعی دانست. در واقع گسست از فضای مشارکتی دلالت بر نوعی خلأ یا بحران هویتی دارد.

هویت اجتماعی نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند بلکه به زندگی افراد معنا هم می‌بخشد. در ضمن فرایندی برای خودشناسی کنشگران اجتماعی است که معناسازی نیز به واسطه آن صورت می‌گیرد. هویت‌ها معانی کلیدی‌ای هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند. مردم به دیگران می‌گویند که چه کسی هستند و مهم‌تر این‌که به خودشان نیز می‌گویند که چه کسی هستند (گل‌محمدی، ۱۳۸۰). در واقع هویت اجتماعی در قالب عمل اجتماعی تجسم می‌یابد، چون افراد به‌طور آگاهانه اهداف خود را دنبال می‌کنند و درصدد هستند چیزی یا کسی باشند و یا به نظر آیند تا بتوانند

1. Function
2. Schlesinger

با موفقیت، هویت‌های اجتماعی خاصی را به دست آورند. هویت به تعبیر جنکینز^۱، دیالکتیکی درونی - برونی است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸). و می‌توان گفت که هویت اجتماعی دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است و فهم هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی را از طریق به کار گرفتن کنش متقابل دیالکتیکی درونی و برونی امکان‌پذیر می‌سازد.

هویت یک فرایند مستمر است که در طی زمان تولید و بازتولید می‌شود. زمانی که تعهد و احساس تعلق در جهت هویت جامعه‌ای تعمیم یابد هویت جامعه شکل می‌گیرد. منظور از هویت اجتماعی، درک، تصور و ارزیابی فرد از رابطه خود با دیگری است. اگر فضای ذهنی افراد در جامعه نسبت به دیگران منفی ارزیابی شود، در این صورت بی‌هویتی اجتماعی در اثر کاهش یافتن نظم و انسجام اجتماعی^۲ رخ می‌دهد و هویت‌یابی جوانان در قالب گرایش و ذهنیت مثبت به الگوهای غیر خودی (غربی) تشدید می‌شود. بنابراین عصر حاضر که از ویژگی‌های مخاطره‌پذیری و فردگرایی^۳ برخوردار است و زمینه‌ساز بحران در نظم اخلاقی^۴ جامعه و بیگانگی از هویت ملی و اجتماعی گردیده با تهدید نظام ارزشی و هنجاری، کیستی، چیستی و چگونه‌زیستی نسل جوان را به مخاطره انداخته و بر ضرورت فضای گفتمانی و ارتباطی اخلاقی افزوده است.

«هویت جمعی، هویتی است که فرد در فرایند اجتماعی شدن و در ارتباط با گروه‌ها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه کسب می‌کند و مشخص‌ترین آنها گروه یا واحد اجتماعی یا حوزه قلمروی است که خود با ضمیر «ما» به آن اشاره می‌کند و خود را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق و منتسب و مدیون آن می‌داند» (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۶۳). بنابراین هرچه افراد یک جامعه شعاع «ما»ی کوچک‌تری داشته باشند هویت جمعی ضعیف‌تری خواهند داشت و انسجام و یک‌پارچگی سایر هویت‌ها نیز کاهش می‌یابد. در واقع احساس تعلق افراد یک جامعه بیانگر هویت جمعی جامعه است.

1. R. Jenkins
2. Social Solidarity
3. Individualism
4. Moral Order

چارچوب نظری

اگر فرایند اجتماعی شدن موجب شود تا فرد تمامی ارزش‌های مناسب را درونی کند، جامعه به بهترین وجه اداره می‌شود و کنترل خارجی تقلیل می‌یابد. اساساً افزایش کنترل بیرونی یکی از نشانه‌های بحران در ارزش‌ها و هنجارها است و دلالت بر ناکارآمدی عرصه‌های مختلف در تجهیز ارزشی و هنجاری جوانان دارد. بی‌هویتی^۱ اجتماعی، نوعی زوال ارزش‌های اجتماعی، تعارض ارزش‌ها و هنجارها و در نهایت تضعیف فضای معرفت‌شناختی جوانان محسوب می‌شود.

روان‌شناسان اجتماعی بر این واقعیت تأکید دارند که احساس هویت (فردی) به واسطهٔ دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. بدین معنی که بینش و بصیرت فرد از خودش، ناشی از تصویری است که از جامعه در ذهن خود می‌پروراند. جورج هربرت مید^۲ پرچمدار «نظریهٔ هویت اجتماعی» است. او با بررسی فرایند دستیابی فرد به احساس و برداشتی کامل از خویش، چنین نتیجه می‌گیرد که هر فرد هویت یا «خویش»^۳ خود را از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافتهٔ اجتماعی و یا گروهی شکل می‌دهد. به بیانی دیگر، تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران از او دارند. افراد بشر سعی دارند که خود را مطابق عرف و هنجارهای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تعریف نمایند.

در دیدگاه کنش متقابل، بر جایگاه فرد در جامعه تأکید می‌شود. این نظریه به نوعی هویت شخصی اعتقاد دارد که برخاسته از جامعه است. در دیدگاه «نظریه کنش متقابل نمادین» ارتباط لازمه زندگی اجتماعی است که بیشتر مبتنی بر نمادها است. تصور فرد از خود دو بعد شناختی و احساسی دارد. ساختار تصور از خود بیانگر رابطه میان هویت‌ها و تمایلات اجتماعی گوناگون فرد است (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۸۰). تصور فرد از خود، در واقع شناسایی هویت و کیستی خود است. این هویت می‌تواند فردی یا جمعی باشد.

-
1. Unidentity
 2. J. H. Mead
 3. Self

مید دو نوع «من فاعلی» و «من مفعولی» را از هم تفکیک می‌کند. «آنچه که در اینجا بر آن تأکید می‌شود من مفعولی یا اجتماعی حاصل از مجموعه‌ای از رفتارهای شکل گرفته است که فرد آن را آموخته و بر این اساس من اجتماعی تبلور ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات جامعه می‌باشد که مورد پذیرش قرار گرفته است» (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۸۱).

آنتونی گیدنز^۱ هم هویت شخصی را چیزی در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد، که به او تفویض شده باشد نمی‌بیند بلکه آن را چنان می‌داند که به‌طور مداوم و روزمره ایجاد می‌شود و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱) از این گفته گیدنز بر می‌آید که هویت هر شخصی لزوماً ذاتی آن شخص نیست. هویت نقشی نیست که از طرف جامعه به شخص تفویض شود؛ بلکه فرایند معناسازی است که در طی زندگی روزمره و مکانیسم‌های آن ساخته می‌شود. هویت هرگز ثابت نیست، بلکه متطور و متحول یا «دینامیک» است.

متفکران چندی متأثر از آثار کنش متقابل‌گرایان هستند از جمله آنها می‌توان ریچارد جنکینز و هنری تاجفل^۳ را نام برد که در حوزه هویت اجتماعی صاحب‌نظر می‌باشند.

به عقیده جنکینز هویت اجتماعی خصلت یا خصیصه همه انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی است، و از این لحاظ سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است و نیز امری برساخته است. از نظر جنکینز هویت اجتماعی یک بازی است که «رو در رو بازی می‌شود»، هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و همچنین، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست. از این‌رو هویت اجتماعی نیز همانند معنا ذاتی نیست، و محصول توافق و عدم توافق است و می‌توان در باب آن به چون و چرا پرداخت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸-۷). بنابراین هویت به عنوان یک برساخته اجتماعی می‌تواند در فرایند توافق غیرتحمیلی بازافرینی شود.

ابزارهای فرهنگی هویت‌ساز، باعث شکل‌گیری مقوله‌های هویتی^۴ در جوامع بشری

1. Anthony Giddens
2. Dynamic
3. H. Tajfel
4. Identity Category

می‌شوند. براین اساس، یک گروه و یا حتی یک فرد می‌تواند در موقعیت‌های گوناگون هویت‌های متعددی برای خود بسازد و خود را به آنها متعلق بداند. «اصولاً زندگی اجتماعی بدون وجود راهی برای دانستن این‌که دیگران کیستند و بدون نوعی درک از این‌که خود ما کیستیم غیرقابل تصور است» (همان). آگاهی به وجود «خود» و پی بردن به کیستی و هویت خود از خلال ارتباط با دیگر جوامع و مردمان دیگر به وجود می‌آید.

هویت در این نظریه براساس احساس تعلق تعریف می‌شود. بدین معنی که فرد افرادی را که به آنها تعلق دارد به عنوان درون‌گروه و مقوله مثبت و کسانی را که به آنها متعلق نیست، تحت عنوان برون‌گروه می‌شناسد. نظریه هویت اجتماعی را تاجفل به همراه ترنر^۱ در سال ۱۹۷۹ توسعه داده است. این نظریه به‌طور عمده به منظور درک پایه‌های روان‌شناختی تمایز بین گروه‌ها به کار رفته است. تاجفل و همکاران (۱۹۷۱) تلاش کرده‌اند «شرایط حداقلی آ» را تعیین نمایند که بر اساس آن اعضای یک گروه، تمایز میان درون‌گروه و برون‌گروه را درک می‌کنند.

احساس مردم در خصوص این‌که چه کسی هستند بیشتر با کلمه «ما» تعریف می‌شود تا با کلمه «من». فرضیه اصلی تئوری مقوله‌بندی تاجفل، این است که هویت اجتماعی در بسیاری موارد قادر است فرد را از سوگیری به هویت شخصی بازدارد، بنابراین وی بر این عقیده است که افراد در بسیاری مواقع سعی می‌کنند خود را با مشخصه‌های اجتماعی مقوله‌بندی کنند و نه ویژگی‌های شخصی، و این امر (مقوله‌بندی فرد با مشخصه‌های اجتماعی) باعث ایجاد درون‌گروه مشابه و برون‌گروه متفاوت می‌شود.

بر اساس تئوری هویت اجتماعی، عضویت گروهی به خودی خود، مقوله‌بندی درون‌گروهی را ایجاد می‌کند. تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی مرتبط می‌سازد. او عضویت گروهی را شامل سه عنصر می‌داند: ۱- عنصر معرفتی یا شناختی که به میزان آگاهی شخص به متعلق بودن در یک گروه مربوط است ۲- عنصر ارزشی که شامل محاسباتی می‌شود که فرد درباره پیامدهای مثبت و یا منفی عضویت گروهی دارد. ۳- عنصر عاطفی و احساسی که ناظر است به احساسات نسبت به یک گروه و نیز افراد

1. Turner

2. Minimal Conditions

دیگری که رابطه ویژه‌ای با آن گروه دارند. از این منظر هویت اجتماعی عبارت است از: برداشت فرد از خود، به نسبت شناخت و آگاهی از عضویت در یک گروه به همراه بعد ارزشی و احساسی مرتبط با آن عضویت (تاجفل، ۱۹۷۸: ۶۳) مجموع این عناصر منجر به شکل‌گیری نوعی مقوله‌بندی از عضویت گروهی می‌شود.

بر این اساس هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل، آن بخش از برداشت فرد از خود است که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منضم به آن عضویت. از این منظر می‌توان هویت اجتماعی را نوعی خودشناسی فرد در رابطه با دیگران دانست. این فرایند مشخص می‌کند که فرد از لحاظ روان‌شناختی و اجتماعی کیست و چه جایگاهی دارد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۲). انسان همواره سعی داشته تمایزی بین خود و دیگری قایل شود؛ زمانی که این تمایزبخشی و غیریت‌سازی در درون جامعه و نسبت به اعضای همان جامعه شکل گیرد، هویت جامعه به خطر می‌افتد.

رهیافت گفتمانی، بر چگونگی تولید و سامان یافتن تمایزات و کنش‌های گفتمانی و انکار نقش هرگونه عامل طبیعی و نیز عنصر کارگزار اجتماعی از قبل موجود در شکل‌گیری و تعریف هویت‌ها تمرکز دارد. به بیان دیگر نزد تحلیل‌گر گفتمان، هویت در گردونه‌ای از استمرارها و عدم استمرارها، سنت‌ها، بدعت‌ها، تکرارها و انتزاع‌ها تنیده شده و در رابطه‌ای برتافته از مناسبات در زمانی، هم‌زمانی، جانشینی، هم‌نشینی، سازواره، ناسازوار، عقلانی و غیرعقلانی شکل می‌گیرد. معنی‌یابی یا هویت‌یابی محصول موقعیت، منزلت و جایگاه سوژه است. معناساز بودن هویت، بر ساختگی بودن آن دلالت می‌کند. معناسازی ماهیتی قراردادی دارد و هویت خود را در بستر گفتمان‌ها شکل می‌دهد. البته گفتمان‌ها خود ماهیت و شکل پایداری ندارند، لذا مرزهای هویتی همواره لرزان و منزلت‌ها و مواضع هویتی پیوسته در حال تغییرند.

هابرماس^۱ معتقد است ناتوانی سنت‌ها، تحولات اجتماعی قهری، پذیرش اجباری انگیزه‌های تشویق، تنبیه و غیره همگی دست به دست هم می‌دهند و موجب مسخ و تحریف ساختارهای تفاهمی ارتباطی و ساختارهای تعیین هویت خود می‌شوند؛ وفاداری

توده‌ها و انگیزه‌های تعمیم‌یافته جامعه بر همین ساختارها استوار است (پیوزی، ۱۳۸۵). بنابراین استحکام ساختارهای تفاهمی به شکل‌گیری هویت جمعی می‌انجامد. در این رویکرد، طبقه و سبک زندگی فرد، هویت اجتماعی او را شکل نمی‌دهد، بلکه چارچوب گفتمانی سازمان‌دهنده هویت محسوب می‌شود. بر این مبنا مرزهای هویتی می‌تواند فراتر از همه منابع هویت‌بخش قرار گیرد و وسعت هستی را میان آنان که صادق‌اند، می‌اندیشند و در پی دسترسی به حقیقتی توافقی از طریق گفت‌وگو با دیگری هستند و آنان که فریبکارند، فاقد عقل ارتباطی و در پی سلطه‌اند تقسیم می‌کند. در این بیان، هویت اجتماعی همان هویت بشری و فضیلت‌مدار است که خودی و غیرخودی را برای او مشخص می‌سازد.

از طرفی چلبی معتقد است که اگر افراد احساس تکلیف و رعایت حقوق دیگران را درونی کرده باشند، نظام شخصیتی‌شان دارای وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته و تعهد درونی تعمیم‌یافته می‌گردد و هویت جامعه‌ای شکل می‌گیرد (چلبی، ۱۳۷۸). بنابراین تعهد تعمیم‌یافته و تعلق تعمیم‌یافته منجر به هویت جامعه می‌شود.

از نظر دورکیم^۱ گسیختگی هنجاری و بی‌هنجاری ناشی از آن، اساس مسائل اجتماعی است. بنابراین بحران هویت جمعی، به نوعی بحران در وجدان جمعی افراد محسوب می‌شود؛ چرا که با تغییر ساختار جامعه از صورت مکانیکی به ارگانیکی چنانچه فضای اخلاقی خاص‌گرا به فضای اخلاقی عام‌گرا گذر نکند، چیزی جز نوعی هویت فردی برجای نمی‌ماند، که البته در جهت تخریب هویت اجتماعی عمل می‌کند. در جامعه جدید نیاز به نوعی وحدت از نوع گزلفشافت وجود دارد که در آن اصل وحدت^۲ متکی بر روابط خونی و روابط نزدیک نباشد و مجاورت فیزیکی منشأ مجاورت فکری نگردد. در جامعه گماینشافتی خویشاوندان یکدیگر را دوست دارند و بر اساس این دوست داشتن شناخت پدید آمده است. فرد هویت خود را متشکل از اشخاصی می‌داند که روابط و پیوند طبیعی با او دارند (کلمن، ۱۳۷۷). شرایط جهانی جدید حامل ارزش‌های نوینی است که منجر به از هم پاشیدگی ارزش‌های سنتی می‌شود و تنها

1. E. Durkheim

2. Unity

زمانی می‌توان مانع بحران هویتی بود که نوعی وحدت اخلاقی نوین پایه‌ریزی شود و ارزش‌های عام‌گرا رشد کند. این گذر و تحول اخلاقی جز به واسطه الگوی روابط گفتمانی تحقق نمی‌یابد.

«جوانا واین» و «راب رایت» معتقدند: هویت اجتماعی در متن دسته‌ای از تجربیات مربوط به زندگی در وهله اول توسط خانواده، فضای محلی و منابع اجتماعی ساخته می‌شود. زمینه خانوادگی تأثیرات زیادی بر نگرش فرد به جهان اطراف و تجربه اطراف داشته و نقش بسیاری نیز در شکل‌گیری هویت افراد دارد. علاوه بر این شکل‌گیری هویت افراد به فعالیت‌های تفریحی و مشارکتی‌شان نیز مرتبط است (اشرف، ۱۳۵۵: ۲۱-۲۰). بنابراین پایین بودن مشارکت و فعالیت‌های فوق‌برنامه می‌تواند نشان از فقدان منابع هویت‌ساز در جامعه و محدود شدن مدار هویت به سطح خانواده باشد. محدوده تأثیر هویت، تابعی از وسعت و نفوذ ارزش‌ها و هنجارهای گروه و اجتماع است.

یکی دیگر از کارکردهای هویت، ایجاد نظم و پیش‌بینی‌پذیری در سپهر اجتماعی از طریق معناسازی است. همچنان که گفته شد، معنا بر اثر تجارب و فعالیت‌ها ساخته می‌شود. تجارب پدیده‌های زمان‌مندی هستند. اعمال آینده شخص ملهم از تجارب گذشته است. رفتارهای گروهی یک جامعه به حافظه تاریخی آن جامعه ارجاع داده می‌شود. در تئوری هویت اجتماعی تاجفل و ترنر، یک شخص تنها یک خود شخصی^۱ ندارد، بلکه دارای چندین خود است که با چرخه‌های عضویت گروهی هم‌خوانی دارد. زمینه‌های متفاوت اجتماعی ممکن است یک شخص را به فکر کردن، احساس کردن و عمل کردن بر مبنای رده خود شخصی، خانوادگی یا ملی‌اش برانگیزاند (ترنر، ۱۹۸۲). طبق تعریف این محققان، هویت اجتماعی برداشت افراد از خود است که از عضویت ادراک شده، در گروه‌های اجتماعی ناشی می‌شود (هاگ و وگن، ۲۰۰۲: ۶۴).

خانواده در گذر فرد از هویت جمعی اولیه خانوادگی، قومی و غیره به هویت اجتماعی ثانویه مؤثر است. وجود فضای گفت‌وگو در خانواده به تقویت پرهیزگاری در سطح جامعه می‌انجامد و از این طریق می‌تواند به نوبه خود نظم هنجاری را در جامعه تحکیم بخشد.

سرمایه اجتماعی عبارت است از معیارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط بین بزرگسالان و فرزندان که بر رشد فرزندان تأثیر مثبت دارند. سرمایه اجتماعی نه تنها در خانواده بلکه در توسعه ادراکی و تکامل هویت فردی نیز ارزشمند است (فیلد، ۱۳۸۴: ۳۲). به تعبیر کلمن، سرمایه اجتماعی^۱ خانواده ذاتاً در روابط بین والد-فرزند و تغییرپذیری آن موجود است. رفتارهای هدایت‌گرایانه به فرزندان کمک می‌کند ارزش‌ها را بهتر درونی سازند. یکی دیگر از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات را پایین می‌آورد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۴۳).

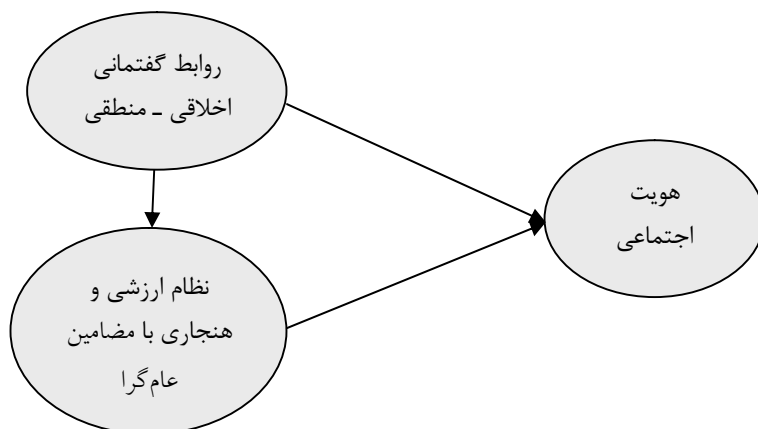
خانواده خودآگاه یا ناخودآگاه، هویت فردی، فرهنگی و اجتماعی فرزند را با توانش ارتباطی خود شکل می‌دهد و در به فعلیت در آوردن عاملیت افراد نقش دارد. درک اولیه فرد از «هویت» و رشد شخصیت افراد با تلاش آگاهانه و ناآگاهانه خانواده مرتبط است. اگر والدین اعضای جدید را به طرز مناسبی با ارزش‌های پایدار و هنجارهای مناسب تطبیق دهند، این اعضا قابلیت عملکرد مناسب در شرایط زمانی-مکانی متفاوت را می‌یابند و استراتژی مناسبی در مواجهه با تکنولوژی نوین اتخاذ می‌کنند. در شعاع هویتی، فرد کسانی را که متعلق آنهاست درون‌گروه و مقوله مثبت و افرادی را که به آنها تعلق ندارد، برون‌گروه می‌شناسد. بنابراین می‌توان تناظری میان گرایش فرد به دیگران و اعتماد به آنها با مقوله‌بندی هویتی یافت. خانواده منبع هنجارسازی است و می‌تواند در به فعلیت در آوردن هنجارهای اخلاقی و غیر اخلاقی مؤثر باشد. بنابراین، نقش خانواده بسیار مهم است و هویت مستحکم نوجوان از عواطف محکم و میزان آزادی وی در خانواده سرچشمه می‌گیرد.

سرمایه اجتماعی به نوبه خود وقتی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل نماید (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۵). کلمن سرمایه اجتماعی را با کارکردش تعریف می‌کند. به زعم وی سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست بلکه

مقوله‌های گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: آنها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افراد را در درون ساختار تسهیل می‌کنند (همان: ۴۶۴).

به بیان هابرماس «خرد ارتباطی جایگاه حکم اخلاقی است» و اخلاق عام‌گرا و مدنی مبنای هویت جمعی است. بنابراین فضای ارتباطی میان والدین و فرزندان، سرمایه اجتماعی درون خانواده محسوب می‌شود. همان‌طور که گفته شد استحکام ساختار تفاهمی عامل مؤثری در شکل‌گیری ساختار هویت جمعی فرد است. از طرفی به زعم چلبی خانواده به عنوان یک اجتماع طبیعی، منشأ اصلی ظهور هنجارهای اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۸: ۹۸) اگر ارزش‌های حوزه اجتماعی و فرهنگی نظیر عزت، احترام، تعهد، معرفت، دوستی، اعتماد و صداقت در خانواده آموخته شود و هنجارهای یاری، صداقت، تعهد و احترام اجتماعی درونی گردد، هویت جمعی تحقق می‌یابد. اگر فرد میل به وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته را در نظام شخصیتی خود کسب کرده باشد، همه انسان‌ها را از خود می‌داند و در قبال همه احساس تعهد و تکلیف می‌کند و همه افراد در تعریف او از دوستی جای می‌گیرند. (همان: ۱۰۲). بنابراین عدم نفوذ اجتماع طبیعی زمینه بی‌اعتمادی و فقدان انسجام است. از طرفی با افزایش پیوندهای ضعیف یا پل‌های ارتباطی در شبکه تعاملات اجتماعی است که موجبات تقویت انسجام عام فراهم می‌شود و هویت جامعه افزایش می‌یابد و میزان عام‌گرایی بالا می‌رود (همان: ۱۰۱-۱۰۰). در بیان دورکیم نیز علت عمده مسائل اجتماعی گسیختگی هنجاری^۱ و بی‌هنجاری ناشی از آن است.

با توجه به آنچه گفته شد، سرمایه اجتماعی خانواده و هنجارهای پذیرفته شده در آن بر هویت اجتماعی افراد اثر می‌گذارد و مقوله‌بندی هویتی افراد را شکل می‌دهد.



فرضیه تحقیق حاضر این است که بین سرمایه اجتماعی خانواده و هویت اجتماعی جوانان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی

در این پژوهش، با روش‌شناسی تحقیق پیمایشی، رابطه سرمایه اجتماعی و تولیدات هنجاری خانواده با هویت اجتماعی جوانان بررسی شده است. برای گردآوری اطلاعات از تکنیک پرسش‌نامه بهره گرفته‌ایم که توسط پژوهشگران در سه منطقه ۳، ۶ و ۱۸ تکمیل گردیده است. جامعه آماری شامل ۶ مدرسه دخترانه و پسرانه پیش‌دانشگاهی عادی دولتی در شهر تهران است. با توجه به تعداد دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی مدارس دولتی به تناسب تعداد دانش‌آموزان ۶ مدرسه (۳ مدرسه دخترانه و ۳ مدرسه پسرانه) به شیوه طبقه‌ای متناسب با حجم، نمونه‌گیری انجام شد و تعداد ۳۰۲ دانش‌آموز مورد بررسی قرار گرفتند.

حجم نمونه	نام مدرسه
۸۳	پیش‌دانشگاهی پسرانه مبین (منطقه ۳)
	پیش‌دانشگاهی دخترانه ریحانه الرسول (منطقه ۳)
۸۱	پیش‌دانشگاهی پسرانه مطهری (منطقه ۶)
	پیش‌دانشگاهی دخترانه نرجس (منطقه ۶)
۱۳۸	پیش‌دانشگاهی پسرانه امام محمدباقر (منطقه ۱۸)
	پیش‌دانشگاهی دخترانه اسدی لاری (منطقه ۱۸)

در این تحقیق متغیر وابسته، هویت اجتماعی و متغیر مستقل شامل روابط گفتمانی - اخلاقی از عناصر سرمایه اجتماعی و هنجارهای اخلاقی می‌باشد. **هویت جمعی:** هویتی است که فرد در فرایند اجتماعی شدن، آن دسته از ارزش‌ها و هنجارها را در خود درونی می‌کند که در نتیجه آن به لحاظ عاطفی دیگران را از خود و خود را منتسب به «ما»ی جمعی می‌داند. هویت اجتماعی از دو بُعد اعتماد و گرایش به دیگران تشکیل شده است.

سرمایه اجتماعی از دو بعد روابط گفتمانی و هنجارهای اخلاقی تشکیل شده که نتیجه آن درونی شدن نظام هنجاری و ارزشی اخلاقی است. به این معنا که لازمه این نوع از سرمایه وجود فضای ارتباطی باز و آزادی است که با رعایت اخلاق ارتباطی امکان گفتگوی خردمندانه و منطقی را ایجاد می‌کند و با هدایت کنش شرکت‌کنندگان به شیوه توافقی از گنجینه اجتماعی - اخلاقی محافظت می‌نماید.

روابط گفتمانی: آن نوع از روابط گفت‌وگویی است که در جهت رسیدن به تفاهم و هم‌فکری در زمینه‌های مختلف برقرار می‌شود. روابط گفتمانی دارای مؤلفه‌های آزادی بیان، تبادل نظر و مباحثه، اعتقاد به مشورت، توانایی ابراز نظر، منطقی بودن و احترام است.

کنش ارتباطی از دو گفتمان نظری و عملی تشکیل شده است. گفتمان ارتباطی نظری، حقایق ادعایی را وضع می‌کند و گفتمان ارتباطی عملی، صدور دعاوی درباره هنجارهاست. از آنجا که خرد ارتباطی جایگاه حکم اخلاقی است و اجتماع طبیعی منشأ ظهور هنجارهای اجتماعی است، هر دو بُعد روابط گفتمانی اخلاقی - منطقی و

هنجارهای تولید شده خانواده، ذیل سرمایه اجتماعی خانواده بررسی می‌شود. در این قسمت نقش گفتمان اخلاقی و منطقی در بازنمایی و ایجاد هویت اجتماعی جوانان مدنظر بوده و هویت، برساخته انواعی از گفتمان‌ها از جمله روابط گفت‌وگویی درون خانواده تلقی شده است.

جدول ۱- ابعاد و مؤلفه‌های مفاهیم

مؤلفه	ابعاد	مفهوم
روابط گفتمانی منطقی	بعد گفتمانی	سرمایه اجتماعی خانواده
روابط گفتمانی اخلاقی		
	بعد هنجاری	
اعتماد	پیوندها	هویت اجتماعی
گرایش و کمک به دیگران		

تجزیه و تحلیل

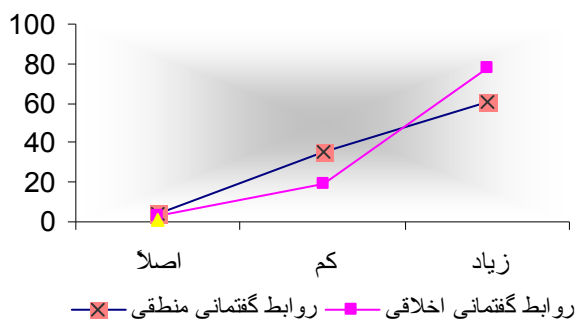
بعد روابط گفتمانی اخلاقی - منطقی با مؤلفه‌های زیر سنجیده شده و داده‌های تجربی مربوط به این شاخص در جدول ۱ مندرج است. چنان‌که ملاحظه می‌کنید بررسی درصد میانگین‌ها نشان می‌دهد که ۴۰ درصد پاسخگویان میزان روابط منطقی خانواده را پایین و ۳۰ درصد روابط گفتمانی اخلاقی - گفتمانی را پایین ارزیابی کرده‌اند. از گفتارهای بعد روابط گفتمانی منطقی، ۴۷ درصد از پاسخگویان انتقادپذیری والدین را پایین دانسته و در میان گویه‌های مربوط به روابط گفتمانی اخلاقی، حدود ۶۵ درصد از پاسخگویان میزان ارزشمندی ایده‌های‌شان برای والدین و فهم یکدیگر را پایین تشخیص داده‌اند.

توزیع فراوانی گویه‌ی ترغیب به احترام به اعضای خانواده بیش از سایر گفتارهاست و این نشان می‌دهد که سازگاری میان ارزش‌ها و هنجارها در حد پایینی است و بیان ارزش‌ها به صورت کلامی بیش از بیان رفتاری آنهاست. تعارض هنجاری مذکور دلالت بر نوعی آنومی هنجاری در خانواده‌های نمونه دارد و در به تأخیر افتادن هویت‌مندی جوان و بحران هویتی ناشی از آن مؤثر است.

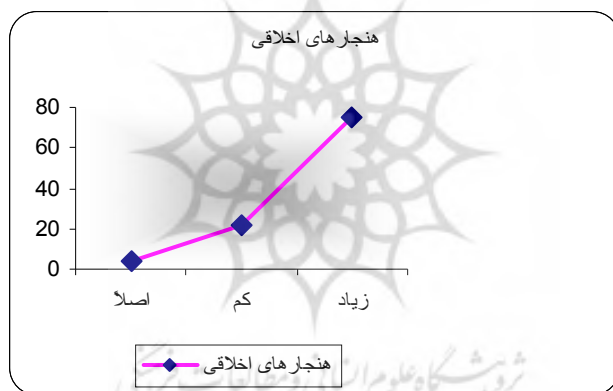
جدول ۲- داده‌های تجربی مربوط به روابط گفتمانی (اخلاقی - منطقی)

زیاد	کم	اصلاً		
۵۶/۰	۳۹/۷	۴/۳	حل و فصل مسائل	گفتارهای مربوط به روابط گفتمانی منطقی
۵۲/۷	۴۳/۰	۴/۳	انتقادپذیری	
۶۶/۲	۳۰/۸	۳/۰	توافق از طریق گفت‌وگو	
۵۷/۶	۳۷/۷	۴/۶	تبادل نظر	
۶۲/۶	۳۴/۴	۳/۰	دلیل آوردن برای نظرها و خواسته‌ها	
۶۷/۲	۲۶/۲	۶/۶	پرسش از رفتار	
۵۸/۳	۳۸/۷	۳/۰	حل مشکلات با گفت‌وگو	
۶۴/۸	۲۹/۶	۵/۶	امکان گفت‌وگو درباره موضوعات مختلف	
۶۰/۶۷۵	۳۵/۰۱۲۵	۴/۳	شاخص روابط گفتمانی منطقی	
۸۶/۰	۱۱/۳	۲/۷	احترام	گفتارهای مربوط به روابط گفتمانی اخلاقی
۶۴/۲	۳۱/۸	۴/۰	فهم همدیگر	
۸۶/۰	۹/۳	۴/۷	ترغیب به احترام	
۸۵/۱	۱۲/۳	۲/۶	مهم بودن اعضا خانواده برای یکدیگر	
۷۹/۸	۱۶/۲	۴/۰	غذاخوردن	
۷۴/۸	۲۳/۲	۲/۰	برخورداری از احترام	
۸۰/۰	۱۹/۷	۰/۳	اجازه و فرصت ابراز عقیده	
۸۵/۰	۱۲/۰	۳/۰	روابط مبتنی بر درست‌کاری و گفت‌وگوی صادقانه	
۷۴/۲	۲۱/۲	۴/۶	مشورت	
۶۵/۸	۳۲/۶	۱/۷	ارزشمندی ایده‌ها	
۷۸/۰۹	۱۸/۹۶	۲/۹۶	شاخص روابط گفتمانی اخلاقی	

نمودار ۱



نمودار ۲



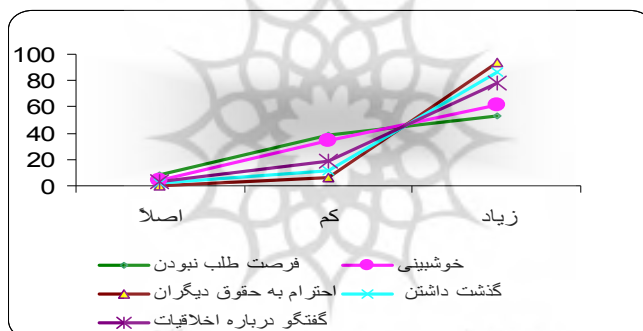
داده‌های تجربی مربوط به شاخص هنجارهای اخلاقی در جدول ۳ مندرج است. چنان که ملاحظه می‌کنید ۲۵/۴ درصد از پاسخگویان میزان هنجارهای اخلاقی را پایین ارزیابی می‌کنند. در مقابل ۷۴/۶ درصد پاسخگویان میزان هنجارهای اخلاقی را در خانواده خود بالا دانسته‌اند.

شواهد نشان می‌دهد گفتارهای ترغیب فرزندان به رعایت حقوق دیگران، گذشت داشتن و گفت‌وگو درباره اخلاقیات بیشتر است؛ این در حالی است که ترغیب فرزندان به فرصت‌طلب نبودن و خوش‌بین بودن به دیگران نیز بالا است.

جدول ۳- داده‌های تجربی مربوط به هنجارهای اخلاقی

گفتارها	فراوانی	اصلاً	کم	زیاد
فرصت طلب نبودن	۸/۰	۳۸/۵	۵۳/۵	
خوشبینی	۴/۰	۳۴/۸	۶۱/۲	
احترام به حقوق دیگران	۰/۳	۶/۳	۹۳/۴	
گذشت داشتن	۱/۷	۱۱/۶	۸۶/۸	
گفتگو درباره اخلاقیات	۳/۳	۱۸/۵	۷۸/۱	
شاخص هنجارهای اخلاقی	۳/۴۶	۲۱/۹۴	۷۴/۶	

نمودار ۳



در جدول شماره ۴، توزیع میزان اعتماد بین شخصی و اعتماد به دیگران اندازه‌گیری شده. اعتماد جوانان به همه افراد حتی اقوام درجه یک کاهش یافته و در عوض اعتماد به دوستان بیش از اقوام درجه دو است. اعتماد به افراد همشهری نیز در حدود ۵ درصد کمتر از اعتماد به غیرهمشهری است.

جدول ۴- داده‌های تجربی مربوط به اعتماد بین شخصی

زیاد	کم	اصلاً	
۷۲/۰	۲۲/۳	۵/۷	دانش آموز: اعتماد به فامیل درجه یک
۴۴/۰	۴۵/۷	۱۰/۳	دانش آموز: اعتماد به فامیل درجه دو
۵۲/۳	۴۱/۰	۶/۷	دانش آموز: اعتماد به دوستان و آشنایان
۱۹/۵	۵۹/۶	۲۰/۹	دانش آموز: اعتماد به همسایگان
۱۰/۰	۶۴/۷	۲۵/۳	دانش آموز: اعتماد به همشهری‌ها
۶/۳	۵۴/۵	۳۹/۲	دانش آموز: اعتماد به غیرهمشهری
۳۴/۰	۴۷/۹۶	۱۸/۰	شاخص اعتماد بین شخصی

جدول شماره ۵، توزیع فراوانی گرایش و کمک به دیگران را نشان می‌دهد. در واقع افراد پاسخگو نسبت به دیگران هم دارای نگرش مثبت بوده‌اند و هم آمادگی کمک به دیگران را زیاد ارزیابی کرده‌اند. اما به لحاظ عملی، از جمله در اختیار دیگران قرار دادن تجارب خود، ۴۳ درصد افراد اصلاً تجارب خود را در اختیار دیگران قرار نداده‌اند و این در حالی است که حدود ۷۰ درصد افراد اذعان داشته‌اند که در درازمدت کمک به دیگران کمک به خود است.

جدول ۵- داده‌های تجربی مربوط به گرایش و کمک به دیگران

زیاد	کم	اصلاً	
۰	۵۶/۶	۴۳/۴	دانش آموز: در اختیار قرار دادن تجارب خود برای دیگران
۸۱/۵	۱۷/۲	۱/۳	دانش آموز: آمادگی برای کمک به دیگران
۵۹/۰	۳۵/۳	۵/۷	دانش آموز: شرکت در کار گروهی
۲۰/۳	۴۱/۷	۳۸/۰	دانش آموز: اعتقاد به این که با کمک به دیگران سر انسان کلاه می‌رود
۷۲/۵	۲۳/۲	۴/۳	دانش آموز: در درازمدت کمک به دیگران کمک به خود است
۸۷/۷	۱۰/۷	۱/۷	دانش آموز: ارزش قائل شدن برای دیگران
۶۷/۱	۲۳/۸	۹/۱	دانش آموز: ارزش برابر برای همه
۵۵/۴	۲۹/۸	۱۴/۷	شاخص گرایش و کمک به دیگران

نتایج نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۰/۰۱ بین روابط گفتمانی خانواده و هنجارهای اخلاقی ضریب همبستگی و ضریب رگرسیون ۰/۶۷ است. بنابراین رابطه میان روابط گفتمانی درون خانواده و هنجارهای اخلاقی رابطه‌ای مثبت و معنادار است. از طرفی ضریب همبستگی و ضریب رگرسیون بین روابط گفتمانی درون خانواده با اعتماد فرد به دیگران (شامل همسایگان، همشهری، غیرهمشهری و افراد غریبه) ۰/۲۸۴ است. همانطور که جداول توصیفی نشان داد دانش‌آموزان حجم نمونه تنها دوستان و خانواده خود را گروه خودی می‌دانند و در این مقوله‌بندی هویت اجتماعی محدود به هویت خانوادگی و گروه دوستی است، لذا سایر هویت‌ها نظیر هویت محلی و همسایگی، هویت شهروندی و غیره که در مجموع هویت اجتماعی را می‌سازند، شکل نگرفته‌اند یا در حال فرسایش می‌باشند. ضریب رابطه بین روابط گفتمانی و گرایش به دیگران معنادار و به اندازه ۰/۳۵۱ بوده است. به این معنا که هر چه روابط گفتمانی منطقی درون خانواده افزایش یابد، گرایش به دیگران نیز افزایش می‌یابد. همچنین در مجموع بین سرمایه اجتماعی درون خانواده و گرایش به دیگران در سطح معناداری ۰/۰۱ ضریب همبستگی و ضریب رگرسیون به اندازه ۰/۴۳۲ است. در مجموع فرضیه مورد نظر که آیا بین سرمایه اجتماعی خانواده و هویت جمعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، تأیید می‌شود.

جدول ۶- روابط معناداری متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	آزمون همبستگی میان متغیرها
روابط گفتمانی درون خانواده با اعتماد فرد به دیگران	۰/۲۸۴ (**)
روابط گفتمانی و گرایش به دیگران	۰/۳۵۱ (**)
هنجارهای اخلاقی و اعتماد به دیگران	۰/۲۳۴ (**)
هنجارهای اخلاقی و گرایش به دیگران	۰/۳۲۸ (**)
سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی	۰/۴۳۲ (**)

$p < 0/01^{**}$

نتیجه‌گیری

در شرایط ارتباطی و اطلاعاتی عصر جدید، جامعه‌پذیری جوانان در صورتی منشأ هویت‌یابی متناسب با نیاز جامعه می‌گردد که ساختار گفتمانی اخلاقی و منطقی در خانواده استوار باشد و خانواده در بسط هویتی افراد، خصیصه‌های عام‌گرایانه و همچنین ارزش‌ها و هنجارهای مثبت را آموزش دهد. ارتباط به عنوان رکن اصلی نظریه‌های سرمایه اجتماعی در این پژوهش در خانواده مدنظر بوده است. زمانی که محتوای ارتباطی درون خانواده، اخلاقی و منطقی باشد و هنجارهای مثبت درونی گردد، می‌توان گفت که میزان بالایی از سرمایه اجتماعی در خانواده موجود است و خانواده پتانسیل برساختن و بازتولید هویت جمعی را دارد. عدم تطابق شیوه‌های ارتباطی درون خانواده با مطالبات دوران جوانی، عدم تطابق عناصر هنجارهای تولید شده درون خانواده با یکدیگر و عدم انطباق نگرش‌های فرد به افراد اجتماع و مشارکت اجتماعی، شکاف میان والدین و فرزندان و فروپاشی اخلاقی خانوادگی را می‌توان دال بر بحران هویت فردی و جمعی دانست. از طرفی شکاف شدید میان مقوله‌بندی هویتی در دو گروه «خانواده و دوستان» و «همسایه، همشهری و غیرهمشهری» دلالت بر معضل هویتی نسل جوان کنونی دارد. شواهد این پژوهش نشان داد که در ترغیب فرزندان به هنجارهای اخلاقی هماهنگی و سازگاری وجود ندارد و لذا تأثیر این نوع جامعه‌پذیری بر هویت اجتماعی فرزندان قابل ردیابی است. از طرفی بررسی تضاد میان ارزش‌ها و هنجارها و تعارض میان نگرش و گرایش (تفاوت در دو بعد اعتماد و گرایش به دیگران) دلالت بر ناهمخوانی عناصر ارزشی و هنجاری جامعه دارد.

نتایج این تحقیق، سرمایه اجتماعی خانواده را در ارتباط با هویت اجتماعی ارزیابی کرد. به این معنا که اگر میزان سرمایه اجتماعی خانواده بالا باشد، به شرط دارا بودن محتوای گفتمانی اخلاقی و منطقی، میزان بازسازی هویت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. خانواده فاقد روابط گفتمانی منطقی، توان ایجاد الگوهای ارزشی و هنجاری را ندارد و والدین آن نمی‌توانند میان الگوهای سنتی و مدرن پیوند مؤثری ایجاد کنند و در نتیجه فرزندان چنین خانواده‌هایی به سمت هویت‌های پراکنده، غیرخودی یا منحط و انحرافی گرایش می‌یابند و در هویت‌یابی دچار سردرگمی یا تأخیر می‌شوند. شکل‌گیری

و تثبیت گفتمان اخلاقی - منطقی به هویت‌یابی و تثبیت هویت اجتماعی در مقابل سایر هویت‌ها می‌انجامد. از این منظر سامان‌دهی به واقعیت و غلبه بر بحران‌های هویتی از طریق تثبیت روابط گفتمانی در خانواده امکان‌پذیر است. البته ترکیب اخلاقی و منطقی روابط گفتمانی، متناسب با مطالبات جوانان امروز است و لزوماً در هر زمانی هویت‌یابی اجتماعی در گرو محتوای اخلاقی و منطقی نیست؛ اما نگهداری قداست خانواده و هژمونی آن در گرو نوعی از تنظیمات ارتباطی است که محتوای هنجاری مثبت داشته باشد. لازمه نظم هنجاری میان خانواده و هویت جوانان، پر شدن فضای آرمانی و فضای عینیت‌یافته اجتماعی است و تحقق این امر در گرو تطابق عناصر هنجاری تولید شده درون خانواده با یکدیگر و انطباق آن با اجتماع و مشارکت اجتماعی است. چرا که اگر خانواده نتواند جوانان را با نظام هنجاری یک‌پارچه‌ای وحدت و سامان اخلاقی بخشد رفته‌رفته نارضایتی‌ها و تردیدها نسبت به هویت خودی آشکار می‌گردد و این وضعیت منجر به خودبیگانگی و ایجاد بحران هویت در کسانی می‌شود که روزی خود از هواداران آن بوده‌اند. بدین ترتیب جامعه، آماده هویت‌یابی با گفتمان‌ها و اسطوره‌های جدیدی می‌شود که مدعی کمال‌اند و فضایی آرمانی از واقعیت ترسیم می‌نمایند. هویت جمعی یا تشکیل گروه و هویت فردی یا هویت سوژه، تحت اصولی مشترک یعنی به وسیله تقابل میان درون و بیرون شکل می‌گیرند و حلقه واسط این ارتباط خانواده است. هویت‌یابی جمعی نیز از تقابل میان نظام معنایی درونی خانواده با بیرونی‌ها شکل می‌گیرد. هویت به عنوان یک سازه نظری نرم، نه کاملاً در بستر کنش‌های گفتمانی شکل می‌گیرد و نه مستقل از موقعیت و منزلت سوژه است. به عبارتی اگر چه هویت در بستر گفتمان برساخته می‌شود اما ماهیت و شکل هویت تا حد زیادی به ساختارها مرتبط است. ساختار ارتباطی خانواده کاملاً مرتبط با ساختارهای ارتباطی اجتماعی و فرهنگی است و این ساختارها تعیین‌کننده هویت هستند. اما واقعیت آن است که در جامعه ایران، خانواده به عنوان ساختار مطلوب و مورد اعتماد هر فرد در ایجاد اعتماد به دیگر افراد اجتماع ناتوان مانده و علاوه بر این در ایجاد هویت خودی و هویت غیرخودی که عناوین عمده مقوله‌بندی هویت اجتماعی است توانا عمل نکرده و نتوانسته است اعتماد و دیگر هنجارهای اخلاقی را در سطح جامعه تعمیم بخشد.

هرگونه تلاش در جهت تحکیم ساختارهای تفاهمی، به صورت مستقل از دیگر ساختارها و تنها با برنامه‌ریزی‌های رسمی و اقدامات مقطعی و سلیقه‌ای، بدون توجه به این واقعیت که هویت جوانان یک برساخت اجتماعی و فرهنگی است و به نتایج مطلوبی منجر نخواهد شد. در واقع مقابله با تهدیدات نرم (تهدیدات فرهنگی و هویتی) به مطالعه همه‌جانبه و سیستمی به منظور تحقق نوعی هویت اجتماعی پویا نیازمند است. از سوی دیگر هیچ هویت تعیین‌شده و ثابتی وجود ندارد و این گفتمان‌ها هستند که هویت فرد و جامعه را شکل می‌بخشد و به ما امکان برخورداری از فهمی معنادار از واقعیت را می‌دهند. به این ترتیب تکاپوی گفتمان‌ها ادامه می‌یابد و خانواده در فهم جوانان از جامعه و چگونگی هویت‌یابی آنان قدرتمند عمل می‌کند. اگر هنجارهای اخلاقی خانواده در خصومت با مصالح اجتماعی شکل گیرند، مانع تثبیت هویت‌های اجتماعی می‌گردند. از آنجا که شکل‌گیری هر هویت و جامعه‌ای محصول روابط قدرت است، شیوه این اعمال قدرت بر جوانان از سوی خانواده و جامعه باید در یک راستا و هم‌گون با یکدیگر باشند و نه در جهت ضدیت و مقابله با یکدیگر. در این صورت می‌توانیم به شکل و تثبیت هویت‌های اجتماعی امیدوار باشیم و نسبت به بحران‌های هویتی واکنش درستی نشان دهیم و برای تثبیت نظم نوین و خودی در جهت نهادینه کردن روابط گفتمانی اخلاقی - منطقی و هنجارهای مثبت عمل نماییم.

منابع

اشرف، احمد (۱۳۵۵) کژرفتاری، مسایل انسانی و آسیب شناسی اجتماعی (مجموع گفتارهای درسی)، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.

پیوزی، مایکل (۱۳۸۵) یورگن هابرماس، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴) روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران، فرهنگ گفتمان.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی، ترجمه تورج یار احمدی، تهران، شیرازه.

چلبی، مسعود (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نی.

ریترز، جورج (۱۳۷۴) بنیان‌های جامعه‌شناختی، ترجمه تقی آزاد ارمکی، تهران، سیمرغ.

عبداللهی، محمد (۱۳۷۵) «بحران هویت»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.

فیلد، جان (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی، ترجمه جلال متقی، تهران، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۰) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نی.

معیدفر، سعید (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، تهران، سرزمین ما.

Hogg, M.A. and Vaughan, G.M. (2002) Social Psychology. 3rd ed. London: Prentice Hall Kegan Pan press.

Kuper, Adam and Kuper, Jessica (1985) The Social Science Encyclopedia. London, Boston : Routledge & Kegan Paul.

Schlesinger, Philip (1991) Media, State and Nation: Political Violence and Collective Identities, London: Sage.

Tajfel, H. Billig, M. G. Bundy, R. F. and Flament, C. (1971) "Social Categorization and Intergroup Behavior". European Journal of Social Psychology, Vol. 1.

Tajfel, H. (1978) Differentiation Between Social Groups: Studies in the Social Psychology of Intergroup Relations. London: Academic Press.

- Tajfel, H. and Turner, J. C. (1986). "The Social Identity Theory of Inter-Group Behavior". In eds. Psychology of Intergroup Relations eds. Chigago: Nelson-Hall.
- Tajfel, H. & Turner, J. C. (2004) "An Integrative Theory of Intergroup Conflict". In eds. Organizational Identity: A Reader eds. Oxford: Oxford University Press.
- Turner, J. C. (1982) "Towards A Cognitive Redefinition of The Social Group". In Social Identity and Intergroup Relations. ed. H. Tajfel Cambridge: Cambridge University Press.

